

بسم الله الرحمن الرحيم

چهارده پیام عاشورایی

عاشورا

واقعه عاشورا یک امر عادی نیست که به سادگی از کنار آن رد شویم، بلکه واقعه‌ای بسیار عظیم است که به دین نبوی(ص) حیاتی دوباره داد. بنابراین از حادثه عظیم عاشورا می توان درس‌ها و پیام‌های بسیار بزرگ و زندگی ساز که حیات معنوی انسان را تضمین می کند، گرفت...

چهارده پیام عاشورایی

واقعه عاشورا یک امر عادی نیست که به سادگی از کنار آن رد شویم، بلکه واقعه‌ای بسیار عظیم است که به دین نبوی(ص) حیاتی دوباره داد. بنابراین از حادثه عظیم عاشورا می توان درس‌ها و پیام‌های بسیار بزرگ و زندگی ساز که حیات معنوی انسان را تضمین می کند، گرفت. دقت و ژرف نگری در این حادثه عظیم به ویژه توجه در سخنان حضرت سیدالشهدا(ع) و موضعگیری‌های قاطع آن بزرگمرد، نکاتی آموزنده به همراه دارد که در حد وسع و توان به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- احیای سنت نبوی

یکی از انحرافات بسیار بزرگ در حکومت امویان، زنده کردن آداب و رسوم و سنت های غلط جاهلی و از بین بردن سنت والای نبوی بوده است. امام حسین(ع) با مشاهده این وضعیت نابهنجار قیام کرد تا سنت پیامبر(ص) را احیا نماید، چرا که حضرت در فرمایش گهربارشان به این مهم اشاره نموده و می فرمایند:

“انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظلما: (۱)

من به عنوان فساد و عیاشی و طغیان و ستم خروج نکردم، بلکه خروج کردم تا در امت جدم اصلاح کنم و طبق سنت جدم رسول خدا(ص) و پدرم علی بن ابیطالب(ع) سیر و حرکت کنم.

۲- احیای امر به معروف

یکی از مواردی که در بیانات شیوای امام حسین (ع) در بیان فلسفه قیام عاشورا به چشم می‌خورد و مبنای حرکت عظیم کربلایی خویش ابراز می‌فرماید، امر به معروف و نهی از منکر است. در حقیقت فلسفه نهضت والای خویش را احیای این دو فریضه فراموش شده بیان نموده و می‌فرماید:

“ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر” (۲)

قیام من برای این است که می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

“اللهم این احب المعروف و انکر المنکر” (۳)

۳- جدا شدن مسلمانان و مسلمان‌نمایان

تا زمانی که صحنه‌های امتحان و آزمایش پیش نیامده، دینداران واقعی و غیرواقعی و مدعیان ایمان از هم شناخته نمی‌شوند. در واقع کربلا محکی بود برای شناسایی و سنجش میزان ایمان و درستی ادعای مسلمانان در پایبندی به دین و مکتب خویش. تا چنین تفکیک و مرزبندی در بین مسلمین صورت

نگیرد، جامعه اسلامی هویت، قدرت و جایگاه خویش را بازنمی یابد. چنانکه
امام حسین(ع) نیز می فرمایند:

“الناس عبید الدنیا... فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون”

یعنی مردم فرزند دنیا هستند. وقتی آزمایش به میان آید، دینداران کم می شوند.

۴- عزت

حضرت سیدالشهدا(ع) از خاندانی است که اسوه عزت و آزادگی هستند.
بنابراین وقتی آن حضرت بر سر دو راهی زندگی ذلت بار یا مرگ شرافتمندانه،
قرار گرفت هرگز زیر بار ذلت نرفت و از مرگ سرخ همراه با حفظ عزت
استقبال نمود و در آغوش کشید. چنانکه از سخنان دلنشین حضرت در این
زمینه است که فرمود:

ابن زیاد، مرا میان شمشیرهای آخته و ذلت مخیر ساخته است. ولی هیهات که
ذلت و ننگ را بپذیرم:

“هیهات منا الذله” (٤)

٥- مبارزه با طاغوت

از اهداف عمده نهضت عاشورا، مبارزه با طاغوت بود. طاغوت آن زمان هم
حکومت ظالمانه و جائزانه یزید بن معاویه بود. بنابراین امام حسین (ع) با
تمسک به فرمایش جد بزرگوارشان حضرت رسول اکرم (ص) که فرمودند:

هر کس حکومت ستم پیشه ای را دید که حرام های الهی را حلال و حلال
های الهی را حرام می شمارد، به ظلم و ستم رفتار می کند، اگر علیه او اعتراض
نکند و قیام ننماید، بر خداست که او را به جایگاه و کیفرش برساند. (٥)

٦- احیای مکتب شهادت

چیزی که دین را پابرجا نگه می دارد و مایه بقا و شکوه و اقتدار دین است، جهاد در راه خدا و فرهنگ شهادت طلبی است. براین اساس امام حسین(ع) جهت تبیین این که دین فقط نماز، روزه و حج نیست، دست به آن قیام زد تا مکتب شهادت و فداکاری در راه دین خدا را زنده نگهدارد و روحیه جاه طلبی، رفاه طلبی، سازش و تعلقات دنیوی را از بین ببرد. امام حسین(ع) در خطبه ای در طول راه با جمله

“فانی لا اری الموت الا سعادة...” (۶)

در عمل اقدام به شهادت طلبی در راه دین نمود.

۷- عدم ترس از محاصره نظامی و اقتصادی

یکی از پیام‌های مهم عاشورایی استقامت بر سر عقیده و ایمان است حتی محاصره اقتصادی و نظامی، همان طوری که امام حسین(ع) را از همه جهت محاصره کردند، آب را هم به او بستند، مانع ملحق شدن دیگران به او شدند، ولی امام و یارانش دست از هدف خود برنداشتند و هرگز خود را نباختند. براین اساس امت مسلمان در چنین موقعیت هایی یعنی محاصره نظامی افتدا به

سرور و سالار شهیدان آقا امام حسین(ع) می‌کنند و در موارد حصر اقتصادی اقتدا به مولای متقیان امیرالمؤمنین علی(ع) می‌کنند، چنانکه حضرت در این رابطه می‌فرمایند: اگر همه پشت در پشت به جنگ من آیند، من کسی نیستم که پشت به جبهه کرده، فرار کنم.

”لو تظاهرت العرب علی قتالی لما ولیتهم الادبار“ (۷)

۸- برنامه ریزی

امام حسین(ع) برای همه مراحل نهضت و قیام خویش، برنامه داشت؛ چه در مقدمات نهضت مانند امتناع از بیعت کردن و بیرون رفتن از مدینه و اقامت چند ماهه در مکه، و چه در ذی‌المقدمه، از قبیل نوشتن نامه به شخصیت‌های کوفه و بصره و دعوت از دیگران به نهضت و سخنرانی‌های در مکه و منا و طول راه و حتی خود کربلا. همه اینها در راستای هدفی بود که امام حسین(ع) دنبال آن بود. هیچ صحنه‌ای از قیام عاشورا بدون تدبیر و درایت و برنامه ریزی پیش نیامد. حتی در صبح عاشورا هم آن گروه اندک از یاران را سازماندهی کرد و مسؤولیت افراد و فرماندهان را معین ساخت. (۸)

۹- عمل به تکلیف

یکی از چیزهایی که توجه به آن خیلی مهم است و لازم است در موقعیت مختلف به آن پرداخته شود تا جایگاه اصلی خود را در جامعه اسلامی پیدا کند و به عنوان یک فرهنگ درآید، عمل به تکلیف و انجام وظیفه است، چه به پیروزی منجر شود یا به شکست ظاهری. در هر صورت پیروزی همان عمل به تکلیف است، مهم نیست نتیجه چه بوده باشد. حضرت امام حسین(ع) نیز نسبت به سفر کربلا فرمود:

“ارجوا ان یکون خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا” (۹)

از خدای متعال می خواهیم چیزی را که برای ما اراده می کند خیر بوده و مورد رضایت او باشد، چه به صورت کشته شدن یا پیروزی، به یقین این خیر است و این است همان فرهنگ عمل به تکلیف که در هر جامعه دینی جایگاه خود را پیدا کند ارزش‌ها از بین نخواهد رفت.

۱۰- حمایت از ولایت و رهبری

یکی از موارد بسیار مهمی که در موقعیت‌ها، منزلگاه‌ها و صحنه‌های حساس عاشورایی جلوه گر بود، حمایت از رهبری است. هرچند که امام حسین(ع) بیعت خود را از یاران خویش برداشت، ولی آنان دست از رهبر نکشیدند و ولی امر زمان خود را تنها نگذاشتند. ولایتمداری کسانی که در حمایت از حضرت در صحنه‌های عاشورایی سخن گفته اند کاملاً گویای این مدعاست. افرادی چون حبیب بن مظاهر، زهیر بن قین و دیگران شاهد بر این مدعاست. چنانکه حضرت ابوالفضل العباس سوگند یاد می کند که اگر چه دست راستم را قطع کنید، ولی دست از حمایت از دین و امامم بر نمی دارم.

”انی احامی ابا عن دینی و عن امام صادق الیقین“ (۱۰)

مسلم بن عوسجه نیز پس از مجروح شدن و در آخرین لحظات وصیتی که به حبیب بن مظاهر داشت این بود که دست از امام بر ندارد و در راه او جان فدا کند:

“اوصیک بهذا ان تموت دونه“ (۱۱)

۱۱- دنیا لغزشگاه خطرناک

چه بسا تعلقات دنیوی، دنیاطلبی و مالدوستی سرمنشأ و مایه همه فتنه ها و لغزش‌هاست. بسیاری از انسان‌ها که به انحراف و لغزش کشانده شده اند یا به وظیفه خود عمل نکرده اند در واقع دنیا بوده که آنان را به سوی خود کشانده

است و به لغزش و خطا وادار نموده است. این دنیاطلبی بود که افرادی چون ابن زیاد و عمرسعد را به جنگ با امام حسین(ع) واداشت. ضربه خوردگان سیاسی زمان حضرت علی(ع)، نیرو به سوی کوفه گسیل داشتند، دلباختگان جاه و مقام و حکومت ری و شیفتگان جوایز امیر کوفه، دست خود به خون حسین بن علی(ع) آغشتند، حتی آنان که اسب بر بدن امام تاختند، پیش ابن زیاد رفتند و به خاطر این جنایت، درخواست جایزه کردند. یاران امام حسین(ع) چون دلباخته دنیا نبودند به راحتی حاضر شدند در راه دین فدا شوند. در این راستا حضرت سیدالشهدا(ع) نیز مردم را فرزندان دنیا خواند و اینکه دین تنها بر زبان آنان جاری است و هنگام خطر، در پی دنیای خود می روند:

“الناس عبیدالدنیا و الدین لعق علی السستهم یحوظونه ما درت معایشهم” (۱۲)

و همچنین در خطبه ای دیگر در صبح عاشورا خطاب به دشمن فرمود که دنیا فریتان ندهد:

“فلا تغرنکم هذه الدنیا، فانها تقطع رجاء من رکن الیها” (۱۳)

این دنیا فریبتان ندهد، چرا که هرکس به آن تکیه کند مأیوس می شود و امیدش قطع می گردد.

۱۲- توبه همیشه میسر است

چنانکه در قرآن وعده داده شده است و در متون روایی نیز روایات متعددی وارد شده است، راه توبه و بازگشت، همیشه باز است. در حادثه عظیم عاشورا، کسی چون حر بن یزید ریاحی که عامل به محاصره افتادن امام حسین(ع) و اهل بیتش شد، با وجود اینکه فرمانده لشکر هزار نفری کوفه بود، صبح عاشورا از مسیر باطل به مسیر حق بازگشت و به امام حسین(ع) پیوست و با توبه و جهاد در رکاب امام(ع)، به یکی از شهدای کربلا تبدیل شد. این جریان خود شاهد عینی بر امیدوار شدن انسانها در همه حالات و شرایط جهت بازگشت به حقیقت است.

۱۳- حمایت از حقوق مردم

یکی از مواردی که کاملاً در سیره معصومین(ع) مشهود است و اهمیت ویژه ای به آن می دهند، رعایت حقوق مردم است. هرچند که صحنه کربلا صحنه جنگ

و نبرد بود، ولی در همانجا هم مراعات حقوق مالی مردم از سوی امام حسین(ع) انجام می‌شد. آن حضرت زمین کربلا را از مالکین آن منطقه خریداری و وقف کرد، منطقه ای به وسعت چهار میل در چهار میل. (۱۴) و همچنین در روایات آمده است که حضرت در روز عاشورا فرمود که اعلام کنند هرکس بدهکار و مدیون دیگران است با من نباشد

”ناد ان لایقاتلن معی رجل علیه دین“ (۱۵)

۱۴- راضی بودن به رضای الهی

راضی بودن به رضای الهی یکی از کمالات عارفان است. اینکه انسان از خدا راضی باشد، تسلیم رضایت حضرت احدیت بوده باشد. یکی از ویژگی‌های بارز اهل بیت معصومین(ع) دارا بودن به صفت رضایت است و به این مهم اهمیت فوق العاده ای قائلند، چنانچه امام حسین(ع) در آخرین لحظات حیات خویش که بر زمین افتاده بود، با خدا چنین مناجات می‌کرد:

”صبرا علی قضائک یا رب، لا اله سواک“ (۱۶)

و به یقین کسب رضایت اهل بیت (ع) رضایت خداوند متعال را نیز در پی خواهد داشت، همانطوری که امام حسین (ع) در خطبه می فرماید:

“رضی الله رضانا اهل البيت” (۱۷)

پی نوشت:

(۱) - حياه الامام الحسين بن علي (ع)، ج ۲، ص ۲۶۴

(۲) - همان، ج ۲، ص ۲۶۴

(۳) - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۸

(۴) - لهوف، ص ۵۷

(۵) - موسوعه كلمات الامام الحسين (ع)، ص ۳۶۰

(۶) - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۷

(۷) - نهج البلاغه.

(۸) - ره توشه راهیان نور، جواد محدثی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم، ۳۷۶۱، ص ۷۶

(۹) - اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۷

(۱۰) - مقتل الحسين (ع)، مقرر، ص ۳۳۷

- (١١) - مقتل الحسين(ع)، مكرم، ص ٢٩٧
- (١٢) - موسوعه كلمات الامام الحسين(ع)، ص ٣٧٣
- (١٣) - مقتل الحسين، مكرم، ص ٢٧٨
- (١٤) - مجمع البحرين، واژه حرم.
- (١٥) - موسوعه كلمات الامام الحسين(ع)، ص ٤١٧
- (١٦) - مقتل الحسين(ع)، مكرم، ص ٣٥٧
- (١٧) - اعيان الشيعة، ج ١، ص ٥٩٣